

خانواده در اندیشه و سیره عملی امام خمینی(ره)

□ محمد جمعه شیخزاده *

چکیده

مقاله حاضر به معرفی شیوه زندگی خانوادگی امام خمینی(ره) می‌پردازد که در دو حیطه رفتاری آن بزرگوار نسبت به همسر و فرزندان تقسیم شده است. در عرصه رفتار با همسر، مسئله انتخاب همسر، محبت و اظهار آن به همسر، ارزش و اعتبار خانه‌داری و در اولویت قرار دادن خانواده، مورد بحث قرار گرفته است. اما در عرصه ارتباط با فرزندان، مباحثی از قبیل شناخت و درک فرزند، توجه به نیازهای اساسی و برنامه‌های تربیتی و آموزشی بررسی شده است.
کلیدواژه‌ها: خانواده، خانه‌داری، تربیت، آموزش.

مقدمه

نهاد خانواده به اقتضای نیازهای طبیعی، عاطفی و اجتماعی انسان شکل گرفته است و پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشر بر روی زمین دارد. با وجود این، نهاد خانواده تا امروز برای دانشمندان و صاحب‌نظران کاملاً شناخته شده نیست. همچنین عامه مردم، نگاههای متفاوت و برخورد‌های مختلف و گاه متضادی را در مورد خانواده از خود آشکار می‌سازند. به همین جهات بررسی علمی خانواده با مشکلات زیادی روبه روست.

* دانش پژوه سطح چهارم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی.

اسبب‌شناسی بنیادی خانواده به شناخت درست و نزدیک به واقع این نهاد بستگی دارد و تا این شناخت محور مباحث نباشد، این کاروان راه به جایی نخواهد برد. برای اینکه بتوانیم نهاد خانواده را درست بشناسیم، فقط یک راه وجود دارد و آن رسیدن به تعریف، برنامه‌ها و دستورالعملهایی است که دین اسلام برای نهاد خانواده ارائه کرده است.

در این زمینه چند سؤال مطرح می‌شود که مقاله می‌کوشد به آن پاسخ دهد: آیا دین اسلام برای نهاد خانواده برنامه و دستورالعمل ارائه کرده است؟ آیا همه برنامه‌هایی که به نام اسلام ارائه شده و دستورالعملهایی که در خانواده‌های مسلمانان به نام دین به مرحله اجرا گذارده می‌شود، قابل اعتماد است؟ اگر چنین نیست پس چه باید کرد؟ آیا در این میان کسی یا کسانی هستند که اندیشه و سیره عملی آنان در نهاد خانواده بازگوکننده برنامه‌ها و دستورالعملهای دین اسلام باشد؟ یکی از فقهایی که توانست اسلام را درست بشناسد و مهم‌تر اینکه آن را در زندگی خود پیاده کند، امام خمینی (ره) بود. علامه شهید محمد باقر صدر درباره امام (ره) چنین می‌گوید: در امام خمینی ذوب شوید چنان‌که ایشان در اسلام ذوب شده است. مقاله حاضر اندیشه و سیره خانوادگی امام خمینی (ره) را به بحث نهاده و به قدر توان در پی معرفی این الگوی عملی برای خانواده‌های مسلمان است.

اهمیت و نقش خانواده

امام خمینی (ره) نهاد مقدس خانواده را از بنیادی‌ترین، مهم‌ترین، طبیعی‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای اجتماعی می‌داند و در باره آن می‌فرماید: «نقش خانواده و به خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است. اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساس تربیت از دامان پاک مادران و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۴: ۱۱۷). امام یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده را نقش تربیتی آن می‌داند. این خانواده است که اساس و بنیان صحیح تربیت، باید در آن نهاده شود. پیامبر اسلام (ص) درباره نهاد مقدس خانواده چنین می‌فرماید: «ما بنی بناء فی الاسلام احبّ الی الله عزوجل من التزویج؛ در اسلام بنایی [نهادی] که نزد خداوند

محبوب‌تر از ازدواج باشد، نهاده نشده است» (طبرسی ۱۴۱۲: ۱۹۶). در مکتب اسلام نهاد خانواده جایگاه منحصر به فرد و بی‌بدیلی دارد که هیچ سازمان و نهادی نمی‌تواند کارآیی آن را داشته باشد.

امروزه بسیاری از کشورها، نظام آموزش و پرورش را همانند قلب در بدن می‌دانند و بیشترین بودجه را به این وزارتخانه اختصاص می‌دهند. دین اسلام با آن همه ارزش و اعتباری که برای علم و علم‌آموزی قائل است، برای نهاد مقدس خانواده بیش از آن ارزش قائل است. به همین جهت، اهمیت و کارآیی خانواده بیش‌تر از آموزش و پرورش رسمی است.

جایگاه زن و مرد در نهاد خانواده

ارکان اصلی نهاد خانواده، مرد و زنی هستند که با پیوند زناشویی پایه‌های این نهاد را تشکیل می‌دهند. برای شناخت این نهاد ساده و در عین حال مهم و تأثیرگذار، بهتر است در قدم اول، نظر امام را درباره این پایه‌ها و ستونها بدانیم؛ چون دانستن نظر ایشان که همان نظر اسلام است، تأثیر بسیاری در شناخت جایگاه آنان در داخل نظام خانواده دارد.

امام در این باره می‌فرماید: «اسلام زنها را در مقابل مردها قرار داد؛ نسبت با آنها تساوی دارند. البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است، یک احکام خاص به زن است. این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۴: ۳۳).

از سخنان امام خمینی (ره) به دست می‌آید که ما در بحث خانواده، با دو انسانی سروکار داریم که در اصل انسانیت هیچ فرقی با هم ندارند و همسانند؛ البته هر کدام ویژگیهای خاص خود را نیز دارند. زن و مرد در عین همسانی نوعی و انسانی، از ویژگیهای جسمی و روانی متفاوت نیز برخوردار هستند. تفاوتها به گونه‌ای است که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، مکمل می‌شوند و از زن و مرد ناقص، انسانی کامل به وجود می‌آید.

امام علی (ع) می‌فرماید: «لا يزال الناس بخير ما تفاوتوا فاذا استوا هلكوا؛ مادام که تفاوتها در میان مردم موجود باشد، خیر و صلاح مردم تضمین شده است و آن زمان که تفاوتها برداشته شود، هلاکت و نابودی مردم قطعی است» (مجلسی

۳۸۵/۷۵: ۱۴۰۴).

بنابراین، پویایی، تکامل و سعادت‌مندی در تفاوت‌هاست؛ بدین معنا که باید از تواناییهایی که منشأ آن گرایشها و سلیقه‌های مختلف است، استفاده کنیم. اگر تمایزها را برداریم، دیگر زن و مرد بودن و تشکیل نهادی به نام خانواده معنا ندارد. واقعیت‌های موجود در خانواده و کارهای اجتماعی، درک و پذیرش اصل تفاوت داشتن را آسان‌تر کرده است. همگی می‌دانیم که نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی و سعی در همانندسازی زن و مرد در غرب، هلاکت و نابودی نظام خانواده را در پی داشته است.

پس ارکان نهاد خانواده مرد و زنی هستند که در اصل انسانیت هیچ برتری نسبت به یکدیگر ندارند، اما تفاوت‌هایی دارند. خداوند در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد. ظاهر جمله «خلق منها زوجها» این است که می‌خواهد بیان کند همسر آدم از نوع آدم و مثل خود او انسان بوده است و این همه افراد بی‌شمار، همه از دو فرد انسان مثل هم و شبیه هم منشأ گرفته‌اند (طباطبایی، بی تا: ۲۱۵/۴).

دقت در انتخاب همسر

بحث انتخاب همسر را با یک پرسش آغاز می‌کنیم: آیا هر مرد و زن به صرف اینکه یکی مرد و دیگری زن است، می‌توانند با هم زندگی مشترکی داشته باشند؟ در پاسخ به این پرسش، امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اسلام، انسان‌ساز است؛ می‌خواهد انسان درست کند. قبل از اینکه شما ازدواج کنید به زن گفته است چه مردی را انتخاب کن به مرد گفته چه زنی را انتخاب کن و... آنی [توجه به ویژگیهای شریک زندگی] که همه قوانین دنیا از آن غفلت دارند، هیچ توجه به آن ندارند اسلام به آن توجه دارد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۴: ۹۱). می‌بینیم که امام صرف زن و مرد بودن را کافی نمی‌داند، بلکه به چگونگی بودن آنان نیز توجه کرده است. امام در نامه‌ای که به فرزند خود، فریده مصطفوی، نوشته‌اند، به این امر توجه نموده‌اند: «نامه شما واصل، از سلامت شما خوش‌وقت شدم. قبلاً جواب نامه شما را داده‌ام و تبریک امر خیر را گفته‌ام [ازدواج خانم فرشته اعرابی نوه امام] امید است خداوند تعالی برای آنها سعادت و سلامت و خیر مقدر فرماید. مورد بسیار خوب است، لابد

خود جوان را هم تحقیق کرده‌اند و...» (سعادت‌مند ۱۳۸۵: ۱۹۸).

از محتوای نامه به دست می‌آید که در زندگی خانوادگی امام به این دستورالعمل اسلامی که با چه کسی باید ازدواج کرد اهتمام داشتند و به آن عمل می‌کردند. نکته دیگری که از نامه امام استفاده می‌شود این است که ایشان خانواده داماد را می‌شناخته و تأیید می‌کرده است. پس توجه به اینکه خانواده‌های دختر و پسر، خانواده‌های خوبی باشند مهم است، اما کافی نیست. لذا امام این دغدغه را داشته‌اند که خود داماد چگونه جوانی باشد: «لاید خود جوان را هم تحقیق کرده‌اند.» با اینکه این احتمال را می‌داده‌اند که در چنین خانواده‌ای جوان شایسته‌ای تربیت شده باشد.

درباره گزینش همسر و ملاکهای آن از سوی معصومان(ع) تأکیدات بسیاری شده است. «انظر این تضع نفسک و من تشرکه فی مالک و تطلعه علی دینک و سرک و امانتک؛ نگاه کن که وجود و هستی خود را در کجا قرار می‌دهی، چه کسی را شریک زندگی، محرم راز و امانت‌دار خود قرار می‌دهی» (طبرسی ۱۴۱۲: ۱۹۹). سخن امام، نشانگر عمق و ژرفای زندگی مشترک است؛ زیرا در آن، صحبت از تلاقی و پیوستن دو روح در میان است که ما این دقت و احتیاط را در سیره عملی اهل‌بیت(ع) می‌بینیم. زهرا(س) دختر پیامبر(ص) به سن ازدواج رسیده بود. خواستگاران زیادی خدمت پیامبر(ص) می‌آمدند. پیامبر مسئله خواستگاری حضرت فاطمه(س) را با خودش در میان می‌گذازد. آن حضرت پس از مشورت با دختر گرامی خود، به خواستگاران زهرا(س) جواب منفی می‌داد، تا اینکه علی(ع) برای خواستگاری فاطمه خدمت پیامبر(ص) رسید.

حضرت علی(ع) از جریان خواستگاری خویش می‌گوید: «فلما رأی رسول الله(ص) ضحك ثم قال: ما جاء بك یا ابوالحسن حاجتك؟ فرستاده خدا وقتی من را دید خندید. آنگاه فرمود: چه نیازی تو را به اینجا آورده است ای ابوالحسن؟» (مجلسی ۱۴۰۴: ۹۳/۳۴). علی(ع) خواسته خویش را مطرح کرد. پیامبر(ص) فرمود: «یا علی ائه قد ذكرها قبلك رجال فذكرت ذلك لها فرأيت الكراهة في وجهها ولكن علی رسلك حتى أخرج إليك؛ یا علی(ع) قبل از تو کسان دیگری نیز فاطمه(س) را از من خواستگاری کرده‌اند و من خواست آنها را به فاطمه(س) عرضه داشته‌ام، اما ناخوشایندی را در چهره او یافته‌ام. ولی صبر کن تا باز گردم» (حرعاملی ۱۴۰۹: ۲۷۵/۲۰). پیامبر(ص) پس از مطرح کردن خواست علی(ع) با دختر گرامی خویش، همین که

سکوت و عدم اعراض و کراهت او را دید، با خوشحالی بانگ الله اکبر برآورد و فرمود: «سکوتها اقرار؛ سکوت زهرا(س) علامت رضایت و خواست اوست» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۲۷۵).

ارزش و اعتبار خانه‌داری

«خانه‌داری» در عرف عام، در مقابل «اشتغال» به کار برده می‌شود. در این اصطلاح، «اشتغال» به معنای حضور در خارج از منزل و پرداختن به کاری معین در وقتی مشخص و با حقوق و مزایای تعیین شده است. خانه‌داری نوعی حضور بی‌اجر و پاداش در محیط خانه دانسته شده که فایده چندانی بر آن مترتب نیست و نوعی بیکاری تلقی می‌شود (دهخدا ۱۳۸۳: ۲۶۳۳).

حال باید دید آیا اسلام هم خانه‌داری را کاری بی‌فایده و نوعی بیکاری می‌داند یا خیر. در اسلام برای ارزش نهادن به وظایف زنان، شواهد فراوان وجود دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم: روزی پیامبر(ص) با جمعی زیادی از صحابه در مسجد نشسته بودند که زنی به نام اسماء، دختر یزید انصاری، بر آنان وارد شد و پرسشهایی را مطرح کرد. زن پرسید: «ای پیامبر! من نماینده تمام زنان عالم هستم و ما به تو ایمان آوردیم. اما از شما پرسشهایی دارم که حرف تمام زنان دنیاست. هیچ زنی در این عالم یافت نمی‌شود که این پرسشها را از حضور شما نداشته باشد. ای پیامبر! ما زنان در چهاردیواری خانه‌ها محصور هستیم، تحت سیطره مردان قرار داریم و در عین حال اساس خانواده شما مردان هستیم؛ نیازهای جنسی شما را برآورده می‌سازیم، برای شما فرزند به دنیا می‌آوریم، زمان طاقت‌فرسای حاملگی را تحمل می‌کنیم. ولی شما مردان آزاد هستید و بر ما برتری دارید؛ به نماز جمعه و جماعت می‌روید، به عیادت مریضها می‌روید، هر ساله به حج می‌روید و... وقتی شما به چنین سفرهایی می‌روید، باز هم ما زنان هستیم که در غیاب شما از اموال و فرزندان شما نگهداری می‌کنیم و... پیامبر این زن را بسیار تحسین کرد و به او فرمود: برو به تمام زنان عالم بگو که شما زنها فقط یک کارتان، یعنی شوهرداری شما، با تمام کارهای مردان برابری می‌کند» (طباطبایی، بی‌تا: ۵۰۴/۱).

از گفت‌وگوی پیامبر(ص) با اسماء، به دست می‌آید که این نوع نگرش منفی به کارهای زنان که از بقایای تفکر جاهلیت بوده، تا آن زمان ادامه داشته است. پیامبر(ص) نظر اسلام را درباره خانه‌داری بیان می‌کند که از لحاظ ارزشی هیچ

تفاوتی میان کارهایی زنان با مردان وجود ندارد.

چنان‌که در بحث اهمیت و نقش خانواده دیدیم، امام خمینی(ره) در محیط خانواده، زن را محور اصلی تربیت انسان به شمار می‌آورد و دامان پاک مادران را اولین کانون تربیتی می‌داند که سعادت و شقاوت انسانها در آن رقم زده می‌شود. بنابراین، به نظر امام، خانه‌داری از مهم‌ترین اشتغالات محسوب می‌شود که کمتر کاری به اهمیت آن است. خانم فریده مصطفوی، از نوادگان امام، می‌گوید: «نوه‌های آقا همه شلوغ بودند. امام به دختر من که از شیطنت بچه خود گله می‌کرد می‌گفتند: من حاضریم ثوابی که تو از تحمل شیطنت حسین می‌بری، با ثواب تمام عبادات خودم عوض کنم» (ستوده ۱۳۷۳: ۱۰۷/۱).

امام به فرزندان خود سفارش می‌کنند که مراقب مادرشان باشند. «مادران گرچه همه نمونه‌اند لکن بعضی از آنان از ویژگیهای خاصی برخوردارند و من در طول زندگی مادر محترم تو و خاطراتی که از او در شبهایی که با اطفال خود می‌گذراند و در روزها نیز دارم، او را دارای این ویژگیها یافتم. اینک به تو ای فرزند [سید احمد خمینی] و به سایر فرزندانم وصیت می‌کنم که کوشش کنید در خدمت به او و در تحصیل رضایت او پس از مرگ من، همان‌گونه که او را از شما راضی می‌بینم در حال زندگی و پس از من بیشتر در خدمتش بکوشید» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۴۹: ۱۱۹).

در اعتبار و ارزش خانه‌داری همین بس که امام حاضر است ثواب تمام عبادت خود را با ثواب خانه‌داری نوازش عوض کند. جای تأسف نیست که جامعه اسلامی از این مبانی بسیار مهم اسلامی که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات خانوادگی که به خاطر اشتغال زنان در خارج از منزل به وجود می‌آید، بی‌اطلاع باشد. این بدان معنا نیست که امام با اشتغال زنان در خارج از خانه مخالف باشد. بسیاری از بانوان به خاطر اینکه خانه‌داری را نوعی بردگی می‌دانند، برای آزادی و مفید نشان دادن خود به کارهای بیرون از خانه روی می‌آورند و می‌بینیم که این گرایش در میان آنان، روز به روز افزوده می‌شود. نکته دیگری که از متون دینی و سیره عملی امام استفاده می‌شود این است که اهمیت دادن به کارهای داخل خانه و محترم شمردن آن، سبب می‌شود که زن در مورد وظیفه خویش در قبال خانواده که هماهنگ با فطرت، سلیقه و توانایی اوست، دچار شک و تردید نشود.

اولویت خانواده

نکته بسیار مهم و کاربردی که در زندگی خانوادگی امام خمینی(ره) وجود داشت، این بود که ایشان در هیچ شرایطی از خانه و خانواده غافل نبود. این نقطه برجسته در کارنامه کسی است که مشغله‌های بسیار و مهمی داشت. با آن همه دردسری که برای امام به وجود می‌آوردند، امام وقتی را برای خانواده می‌گذارد، برای آنها نامه می‌نویسد و مرتب خانواده را در جریان کارهای خود قرار می‌دهد و از احوال آنها نیز با خبر می‌شود.

امام در نامه‌ای به همسرش می‌نویسد: «مراقب شما پس از مدتها انتظار واصل شد [همسر امام برای دیدن اقوام به ایران آمده بود] مثل اینکه شما از نجف که خارج شدید دیگر از فکر ماها بیرون رفتید و خیال نکردید از دیر آمدن کاغذ، ما نگران می‌شویم. در هر حال ان‌شاءالله تعالی خوش و سالم باشید. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم و می‌گذرانیم و... از سلامت خودتان و لو به دو کلمه ما را در هر هفته یا لااقل در هر دو هفته مطلع کنید و...» (سعادت‌مند ۱۳۸۵: ۱۹۹).

وقتی این نامه امام را می‌خواندم، به یاد آن جمله دختر امام افتادم که فرموده بود: امام چیزی را از ما نمی‌خواست، مگر اینکه خودش قبلاً آن را انجام داده بود. لذا کنجکاو شدم به تاریخ نامه‌های ارسالی امام برای خانواده محترمشان دقت کنم؛ دیدم بسیار پیش آمده که امام هر هفته از نجف برای خانواده خود نامه‌ای فرستاده است؛ مثلاً در فروردین ۱۳۵۱، سوم فروردین به احمدآقا، چهارم فروردین به دخترش فریده و احمد آقا، سیزدهم فروردین به احمد آقا و بیست و هفتم فروردین به احمدآقا که در آنها احوال همه خانواده را جویا شده است.

امام خمینی(ره) در مناسبتها و اعیاد بیش از پیش به فکر خانواده بودند. در میان نامه‌های امام به چند نامه برمی‌خوریم که عید را به خانواده تبریک گفته و برای هر یک عیدی نیز فرستاده است: «احمد عزیزم مرقوم مورخ ۱۰ صفر واصل، سلامت و سعادت شما را خواهانم و... مبلغ یک هزار تومان فرستادم برای عیدی شما و خانم محترمه و سه دختر [دختران امام] هر یک دوست تومان» (سعادت‌مند ۱۳۸۵: ۱۹۵).

اهتمام امام به خانواده و در اولویت قرار دادن آن، می‌تواند برای بسیاری از خانواده‌ها الگوی خوبی باشد. کم نیستند کسانی که به سبب کارهای اقتصادی، تحقیقاتی و... خانه و خانواده را به کلی فراموش کرده‌اند و این امر مشکلات جبران ناپذیری را برای آنان در پی داشته است.

مهرورزی و اظهار آن به همسر

مبنای تشکیل خانواده، علاقه درونی و عشق پاکی است که زن و مرد به یکدیگر پیدا می‌کنند. خداوند می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱) و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد. پس مهر و محبت میان همسران، از ارکان اصلی زندگی مشترک و خانوادگی است. به عبارت دیگر، زندگی واقعی یعنی رابطه‌ای سرشار و لبریز از محبت. امام صادق(ع) درباره اظهار و ابراز علاقه می‌فرماید: «اذا احببت رجلا فاخبره بذلك فانه اثبت للمودة بينكما» (کلینی ۱۳۶۵: ۲/۶۴۴)؛ هرگاه شخصی را دوست داشتی، دوستی خود را به او اعلام کن، زیرا این عمل انس و الفت را بین شما پایدارتر می‌کند. همان طور که گفته شد، محبت و دوستی، هدیه‌ای با ارزش از سوی خداوند است که به زوجهای جوان ارزانی شده است. آثار و برکات این هدیه الهی، زمانی هویدا می‌شود که آن را اظهار و ابراز نماید. رسول گرامی اسلام با توجه به این نکته می‌فرماید: «قول الرجل للمرأة افي احبك لا يذهب من قلبها ابدا» (حرعاملی ۱۴۰۹: ۲۰/۲۳)؛ مردی که به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، [اثر این سخن] هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود. پیداست که دوستی و محبت در آغاز تشکیل خانواده، امر لازمی است که در حقیقت محرک زندگی جدید به حساب می‌آید و همین‌طور تداوم و حیات این زندگی نیز به دوستی و محبت بستگی دارد. یکی از مواردی که موجب آسیب جدی در روابط زناشویی می‌شود، این است که زن یا مرد احساس کند همسرش به او بی‌توجه و یا نسبت به گذشته کم‌علاقه شده است. مرد یا زنی که چنین تصویری را از طرف مقابل در ذهن داشته باشد، احساس بی‌ارزشی و پوچی خواهد کرد که در نهایت این بی‌توجهی و بی‌محبتی، زمینه‌ساز تنش و اختلاف می‌شود.

این بحث را در سیره عملی امام خمینی(ره) که گوش به زنگ نیازهای روحی و روانی همسرش بود، پی می‌گیریم. امام نامه‌ای به همسرش دارد که می‌توان از لابه‌لای آن به رابطه سرشار و لبریز از محبت ایشان با همسرش پی برد: «تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آیینۀ قلبم منقوش است. عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می‌گذرد؛ ولی به حمدالله تاکنون هرچه پیش آمد،

خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستیم. حقیقتاً جای شما خالی است، فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراهم نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

در هر حال، امشب، شب دوم است که منتظر کشتی هستیم. از قرار معلوم و معروف، یک کشتی فردا حرکت می‌کند، ولی ماها که قدری دیر رسیدیم، باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجلتاً تکلیف معلوم نیست، امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم، که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل. از این حیث قدری نگران هستم، ولی از حیث مزاج بحمدالله به سلامت. بلکه مزاجم بحمدالله مستقیم‌تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است، جای شما خیلی خیلی خالی است. دلم برای پسرت [سیدمصطفی] قدری تنگ شده است. امید است که هر دو به سلامت و سعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت خدای متعال باشند. اگر به آقا [پدر همسر امام] و خانمها [مادر و مادر بزرگ همسر امام] کاغذی نوشتید، سلام مرا برسانید. من از قبل همه نایب‌الزیاره هستم. به خانم شمس آفاق [خواهر همسر امام] سلام برسانید و به توسط ایشان به آقای دکتر [علوی] سلام برسانید. به خاور سلطان و ربابه سلطان سلام برسانید» (سعادتمند ۱۳۸۵: ۱۵۱).

این نامه می‌تواند دورنمایی از زندگی خانوادگی امام را به تصویر بکشد. زندگی خانوادگی امام، حکایت از آن دارد که احساس عاشقانه نه تنها حفظ که روز به روز تقویت شده و جوانه‌های بیشتری برای شکفتن پیدا کرده است. امام در نهاد خانواده و کنار همسر به آن آرامش و سکون و محبتی که خداوند نوید آن را داده رسیده است.

امام خمینی (ره) و فرزندان

کودک، انسانی کوچک است، با همان روح و حساسیت یک انسان بزرگسال. مشکل اینجاست که کوچکی او بر رفتارها، عکس‌العملها و قضاوت‌های ما تاثیر می‌گذارد. بسیاری، کودکان را دست‌کم می‌گیرند، چرا که آنان به لحاظ ظاهری کوچک و ناتوان‌اند. روی هم رفته این نگاهها و به تبع آن قضاوتها، سبب شده انسان به تنهایی نتواند مسیر کمال را برای کودکان خویش ترسیم نماید. یکی از دانشمندان به این عجز و ناتوانی اعتراف می‌کند: «نشان دادن دورنمای زندگی ممکن نیست؛ زیرا زندگی اساساً راز نهانی است و رودخانه‌ای است که سرچشمه

آن ناپیداست و در سیر تکامل آن نکته‌ها و باریکی‌های بی‌پایانی است که اندیشه را در آن راه نیست تا چه رسد به بیان و گفتار» (دورانت ۱۳۸۰: ۴۵۶). حق این است که انسان بدون کمک و راهنمایی دین، قادر نخواهد بود که راه درست را پیش پای فرزندان نشان بگذارد. گرچه علما و دانشمندان تلاش‌های بی‌وقفه و ارزشمندی در زمینه کشف دنیای کودکان و نوجوانان انجام داده و راهکارهای زیادی را ارائه کرده‌اند.

امام خمینی (ره) با الهام از منبع وحی و الگوگیری از زندگی اهل بیت (ع) توانسته برنامه‌های جامع و کاملی برای فرزندان خویش ترسیم نماید و آن را در رفتار خود با فرزندان عملی سازد. آنچه برای ما در این قسمت مهم است، سیره عملی امام در برخورد با فرزندان است.

۱. شناخت و درک فرزند

یکی از مسائل بسیار مهم و حیاتی در مواجهه با فرزند، شناخت و درک اوست. پس از شناخت این عضو جدید و تازه از راه رسیده، می‌توان درباره آینده او تصمیمات بهتری اتخاذ نمود. معصومان (ع) به فرزندان خویش توجه می‌کردند و به اندیشه‌ها و افکارشان بها می‌دادند. حضرت علی (ع) چه زیبا بیان می‌کند: «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم (ابن ابی‌الحدید ۱۳۷۹: ۲۸/۲۰)؛ فرزندان خویش را به آداب و نوع تربیت رایج زمان خودتان محدود نسازید، زیرا آنان برای روزگاری غیر از روزگار شما آفریده شده‌اند».

تضاد اندیشه‌ها و افکار بین نوجوان و کهنسال، طبیعی و براساس حکمت و مصلحت است. در رفتار با فرزندان، مهم درک این تضادها و احترام گذاشتن به افکار آنان است. بسیاری از اختلافات و بی‌نظمی‌هایی که خانواده‌ها با آن مواجه‌اند، ناشی از پافشاری هر یک از والدین و فرزندان بر افکار خود و تحمیل آن بر دیگری است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بچه شیطون است او باید شیطنت کند و بچه‌ای که یک گوشه بیفتد و بخوابد، چهار زانو بنشیند، این بچه نیست، بزرگسال است» (طباطبایی ۱۳۷۲: ۳۰).

فرمایش امام درباره کودکان، نشانگر این مطلب است که عالم کودکی با بزرگسالی تفاوت دارد؛ یعنی سن کودکی اقتضای بازیگوشی دارد، در حالی که بزرگسالی اقتضای وقار و متانت. بنابراین، امام با دنیای کودکان آشنا بوده است.

نکته بسیار مهم تربیتی که در این زمینه به دست می‌آید، این است که در مقام تعامل، این پدر و مادر و بزرگسالانند که باید خود را در شرایط سنی کودکان قرار دهند و با آنها کودکی کنند نه اینکه از بچه‌ها بخواهند که مثل بزرگ‌ترها باشند. امام علی (ع) می‌فرماید: «من کان له ولد صبیا؛ کسی که فرزند کودکی دارد، با او کودکی کند» (حرعاملی ۱۴۰۹: ۴۸۷۲۱).

چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

۲. توجه به نیازهای اساسی فرزند

این مرحله از حساس‌ترین دورانهای زندگی کودک به حساب می‌آید که دقت و آگاهی بسیاری را می‌طلبد. بسیاری از این نیازها به گونه‌ای است که خود کودک قادر به ابراز آن نیست. این پدر و مادرند که باید با درایت و تیزبینی، نیازهای کودک را شناسایی کنند و به آن پاسخ مثبت و مفیدی دهند.

۲-۱. بازی

بازی یکی از طبیعی‌ترین فعالیتهایی است که بیشترین وقت کودک را به خود اختصاص می‌دهد. کودک، ساعتها بدون اینکه احساس خستگی و کسالت کند به بازی مشغول می‌شود. رمز این شور و شوق در این است که میل به بازی از درون او می‌جوشد و هیچ امر و نهی‌ای از بیرون دخالت ندارد. این خود از شگفتیهای آفرینش است که در این سن و برای این روح لطیف، چنین شغل مورد علاقه‌ای را در نظر گرفته است.

معصومان (ع) به این نیاز کودک توجه و عنایت ویژه‌ای داشتند. بهترین و نخستین مرحله از زندگی کودک (هفت سال اول) را به این امر مهم و حیاتی اختصاص داده‌اند. روزی پیامبر (ص) از کنار محل کار عبدالله بن جعفر می‌گذشت و دید که ایشان از گل، اسباب بازی برای کودکان می‌سازد. بعد از سؤال و جواب درباره این حرفه و خرید و فروش آن، حضرت در حق عبدالله این گونه دعا کرد: «اللهم بارک له فی صققة یینه (نوری: ۱۴۱۴: ۱۶/۳۸۹)؛ خدایا به درآمد و دستمزد عبدالله برکت ده.» جابر بن عبدالله نقل می‌کند: «دخلت علی النبی (ص) و هو یشی علی اربع و الحسن و الحسین علی ظهره و ... (مجلسی: ۱۴۰۴: ۴۹/۳۰۴)؛ بر پیامبر (ص) وارد شدم در حالی که او با چهار دست و پا راه می‌رفت و امام حسن و امام حسین بر پشت

آن حضرت سوار بودند.»

امام خمینی (ره)، در متابعت از سیره اهل بیت (ع)، به این نیاز کودک توجه ویژه داشت. مرحوم حاج احمد آقا درباره بازی کردن امام با بچه‌ها، این‌گونه نقل می‌کند: «بارها شده بود که من وارد اتاق می‌شدم و امام مرا نمی‌دیدند. می‌دیدم که امام با زانو روی زمین نشسته‌اند و پسر علی روی دوششان سوار است. خیلی دلم می‌خواست از آن صحنه‌ها عکس بگیرم، اما می‌دانستم که امام نمی‌گذارند» (ستوده ۱۳۷۳: ۸۳/۱).

امام خمینی (ره) در بازیهای بچه‌ها شرکت می‌کرد و بقیه خانواده را نیز راهنمایی می‌کرد که چه بازیهایی برای کودک مفید است. امام خطاب به فاطمه طباطبایی می‌گوید: «بگذار بچه آزاد باشد و بچه‌ها با محیط و طبیعت اطرافشان بازی کنند، بچه‌هایی که در خاک بزرگ می‌شوند خیلی سالم‌ترند تا آن بچه‌هایی که لای زورق بزرگ می‌شوند» (طباطبایی ۱۳۷۲: ۳۰).

۲-۲. محبت

محبت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای کودک است. کودک، این موجود ظریف، لطیف و عاطفی، توان رو یا رویی با بی‌مهریها را ندارد. امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «من قبل ولده کتب الله عزّ و جلّ له حسنة و من فرّحه فرّحه الله يوم القيامة و...» (کلینی ۱۳۶۵: ۴۹/۶)؛ کسی که فرزندش را بیوسد، خداوند در پرونده او عمل نیک می‌نویسد و کسی که فرزندش را خوشحال کند، خداوند او را در روز قیامت خوشحال می‌کند. «امام جواد (ع) از مدینه عازم عراق بود و به فرزند عزیزش امام هادی (ع) فرمود: از سوغاتی عراق چه چیزی را دوست داری که برای تو بیاورم؟ امام هادی (ع) عرض کرد: شمشیر. حضرت به فرزند دیگرش موسی فرمود: تو چه چیزی را دوست داری که برایت بیاورم؟ موسی عرض کرد: فرش خانه و...» (سحاب ۱۱۵: ۱۳۶۴).

در اهمیت و ضرورت محبت به فرزند، همین بس که خداوند، بوسیدن او را عمل نیکو شمرده و برای مسرور کردن او پاداش قطعی در نظر گرفته است. در دیوان عدل الهی، پاداش دادن‌ها بدون حساب و کتاب نیست؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»، بلکه آدمیان بر اساس اعمال مفیدی که انجام داده‌اند، مستحق دریافت

پاداش می‌شوند. پس اصل محبت و نیاز فرزند به آن، امر مسلم و پذیرفته شده‌ای است.

درباره محبت کردن امام خمینی (ره) به بچه‌ها مواردی فراوانی نقل شده است که به چند نمونه اکتفا می‌کنیم: «علی، خیلی به امام علاقه داشت. در مقابل، آقا هم خیلی به ایشان علاقه‌مند بودند. روزی نبود که علی امام را نبیند. امام قبل از ظهر می‌خوابیدند، ما مواظب بودیم که مبدا علی آقا را از خواب بیدار کند. و... [بالاخره یک روز این اتفاق می‌افتد] این بچه خودش را روی آقا انداخت و آقا را بیدار کردند. ایشان بدون اینکه کوچک‌ترین حرفی بزنند، بچه را بغل کردند و در آغوش گرفتند و بنا کردند به بوسیدنش» (مطهری ۱۳۸۳: ۶۵).

از سیره امام خمینی (ره) به دست می‌آید که ایشان، تنها به دوست داشتن و حتی به رفتارهای محبت‌آمیز با فرزندان اکتفا نمی‌کردند، بلکه این دوستی را به آنان اعلام می‌کردند که: شما را دوست دارم. امام شعر زیبایی درباره نوه عزیزش علی دارد که بیانگر همان ابراز دوستی است:

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی

از خم دوست جوانم به خم موی علی

طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست

یاد آرم به خرابات چو ابروی علی

بنابراین، در امر محبت، مهم این است که در کودک این باور به وجود بیاید که کسی او را دوست دارد. بهترین راهکار عملی امام خمینی (ره) برای تقویت این باور، ابراز و اعلام دوستی به فرزندان است

۳. تربیت فرزندان

کودکان همگی با فطرت الهی و همراه با روحیاتی پاک و زمینه‌هایی آراسته زاده می‌شوند. این محیط است که با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم، زمینه هدایت یا گمراهی را فراهم می‌آورد. مؤثرترین و نخستین آموزگاران تربیت فرزندان، والدین هستند. «تمدن بشری میراثی نیست که بدون کوشش و رنج از گذشتگان به دست آیندگان رسیده باشد، بلکه تمدن، میراثی اجتماعی است که بشر در به دست آوردن آن تلاش کرده و سالیان بی‌شمار در نگهداری آن کوشیده است. این میراث جز به وسیله تربیت از نسلی به نسلی دیگر انتقال نیافته است؛ زیرا تربیت عامل انتقال

اندوخته‌های فکری، ارزشهای والای انسانی و خصلتهای نیکو از پدران به فرزندان است» (قرشی ۱۳۶۱: ۱۲).

امام سجاد(ع) در امر تربیت فرزندان دست نیاز به جانب پروردگارش دراز می‌کند و چنین می‌فرماید: «واعثی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم (صحیفه سجادیه ۱۳۷۶: ۲۴۰)؛ خداوندا، مرا در امر تربیت، ادب و نیکویی آموختن به فرزندان، یاری فرما.» با توجه به شناخت و اعتمادی که فرزندان به والدین دارند، رفتار و کردار آنها در ذهن خودآگاه و ناخودآگاه فرزندان نقش می‌بندد و همانند آن را در رفتار با دیگران ارائه می‌دهند. لذا برای الگوپذیری و اعتمادسازی هرچه بهتر فرزندان، پدر و مادر باید شرایط لازم را داشته باشند.

۱-۳. هماهنگی در گفتار و رفتار

در وصیتهای پیامبر(ص) به اباذر چنین آمده است: «یا اباذر مثل الذی یدعو بغير عمل، کمثل الذی یرمی بغير وتر؛ یا اباذر ان الله یصلح بصلاح العبد ولده و ولد ولده (حرعاملی ۱۴۰۹: ۸۴۷)؛ اباذرا آن کس که بدون کردار با حرف و گفتار دیگران را فراخواند، همانند تیراندازی است که بدون کمان تیر می‌اندازد. اباذرا در واقع خداوند با وجود شایستگی پدر، فرزند و فرزند فرزند را شایسته بار می‌آورد.»

زندگی خانوادگی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که ایشان آن‌چنان بین گفتار و کردارشان پیوند زده بود که فرزندان با تمام وجود، اندوخته‌های فکری، ارزشهای والای انسانی و خصلتهای نیکو را در وجود پدر لمس می‌کردند. خانم زهرا مصطفوی، فرزند امام، می‌گوید: «ایشان با عمل و سلوکشان بیشتر از سخنانشان به ما می‌آموختند. رفتار و کردار ایشان نمونه عینی اخلاق اسلامی را در ذهنمان تداعی می‌کرد و مصاحبت با ایشان اثر خاصی در روح و روان ما برجا می‌گذاشت. خوب به یاد دارم که آرام از خواب برمی‌خاستند و به نماز می‌ایستادند و سعی می‌کردند هنگام وضو، صدای گامهایشان آرامش دیگران را برهم نزنند. غالباً دیگران را نه با کلام که با عمل به ادای فرایض دعوت می‌کردند و همواره سعی داشتند کلام حق را با حلاوت و شیرینی و آرامش و ملاحظت قرین سازند. هرگز در این خصوص به عتاب متوسل نمی‌شدند و عبادت خدا و انجام واجبات را در نظر دیگران سنگین و طاقت‌فرسا جلوه‌گر نمی‌ساختند. همسرم به جهت عادت خانوادگی، دخترم را از

خواب صبحگاهی بیدار می‌کرد و به نماز وامی‌داشت. امام وقتی از این ماجرا خبردار شدند، برایش پیغام فرستادند که: «چهره شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن.» این کلام آن چنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر روح و جان دخترم به جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش کرد که برای اقامه نماز صبح به موقع بیدارم کنید» (ستوده ۱۳۷۳/۱:۱۲۳).

خانم فریده مصطفوی، فرزند دیگر امام، می‌گوید: «کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می‌دیدیم، خود به خود در ما تأثیر می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کردیم مثل ایشان باشیم، ولو اینکه مثل ایشان نمی‌شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما یک الگو بودند، وقتی کاری را به ما می‌گفتند، انجام ندهید و ما می‌دیدیم که ایشان در عمرشان آن کار را نمی‌کنند، قهراً ما هم انجام نمی‌دادیم.

مثلاً به ما می‌گفتند: باید نماز بخوانید، خودشان از نیم ساعت به ظهر وضو می‌گرفتند و مشغول نماز خواندن می‌شدند و ما هم داخل حیاط مشغول بازی کردن بودیم و... ولی یک بار هم به ما نگفتند که الان دست از کارتان بردارید، موقع اذان است، دست از بازیتان بردارید و بایستید برای نماز» (مطهری ۱۳۸۳:۱۰۸).

خانم فاطمه طباطبایی از امام نقل می‌کند: «با بچه‌ها روراست باشید تا آنها هم روراست باشند. الگوی بچه‌ها، پدر و مادر هستند، اگر با بچه‌ها درست رفتار کردید، بچه‌ها درست بار می‌آیند، هر حرفی که به بچه‌ها زدید به آن عمل کنید» (مطهری ۱۳۸۳:۱۰۸).

در نموداری که امام خمینی (ره) با رفتار خویش برای فرزندانش ترسیم نموده شاخصهای ارتباط با خدا، صداقت و راستی و... به گونه‌ای است که نمی‌توان اندازه آنها را با اعداد و ارقام نشان داد. پیام امام خمینی (ره) به پدران و مادران این است که اگر آموزه‌ها، با این روش به فرزندان منتقل شوند، عمیق و ماندگار خواهد بود. لذا اگر مریبان، با روش امام به سراغ فرزندان بروند، قطعاً پاسخ مثبت است.

۲-۳. مراقبت از فرزندان

پس از آشنا کردن فرزندان با هنجارها و هماهنگ بودن گفتار و رفتار، باید رفتار آنان را نیز کنترل و هدایت کرد. امام خمینی (ره) در قبال رفتارهای فرزندان، رضایت و خشنودی خویش را با کارهای مطلوب و نارضایتی و ناخشنودی را با کارهای

نامطلوب آنان همراه ساخته بودند. خانم فاطمه طباطبایی نقل می‌کند: «یادم است که پسر کوچکم وقتی با تندی جوابم را می‌داد، آقا جداً از رفتار او با من ناراحت می‌شد، بعداً او را جداگانه می‌خواستند و می‌گفتند تو رفتارت با مادرت خیلی بد بود. به من می‌گفتند نباید رفتارش این گونه باشد. یعنی از کنار این قبیل مسائل به ظاهر ساده هم راحت رد نمی‌شدند» (زن روز: ۱۷).

این عکس‌العمل امام در مقابل اشتباه بچه‌ها، نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه به هنجارها اهمیت می‌دادند و در مقابل هنجارشکنیهای آنان می‌ایستادند تا به فرزندان بفهمانند که خواسته‌ها و رفتارهای آنان نمی‌تواند بی‌حد و حصر و بدون قاعده و قانون باشد.

خانم فاطمه طباطبایی در جای دیگر نقل می‌کند: «امام بعد از سن تکلیف بچه‌ها، بیشتر دقتشان در تعلیم و تربیت آنها بود. همیشه از ما می‌پرسیدند: آیا شما می‌دانید بچه‌تان کی از خانه بیرون می‌رود و کی می‌آید، با چه کسانی رفت و آمد می‌کند و یا چه صحبت‌هایی می‌کند» (ستوده ۱۳۷۳: ۱/۱۹۱).

۳. آموزش فرزندان

در سیره معصومان (ع) علم از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است. «إن عبد الرحمن سلمی علم ولد الحسين (ع) الحمد فلما قرأها علی ابیه اعطاه ألف دینار و ألف حله و حشا فاه درأ فقیل له فی ذلك، قال و این یقع هذا من عطائه یعنی تعلیمه؛ سلمی (استاد) سوره حمد را به فرزند امام حسین (ع) یاد داد. وقتی وی سوره را برای پدر خواند، امام هزار دینار و هزار جامه به استاد داد و دهان او را پر از ذر کرد. به سبب زیادی انعام، به امام اعتراض شد. حضرت فرمود: این انعام [به ظاهر زیاد] اصلاً با کار استاد قابل مقایسه نیست» (ابن شهر آشوب ۱۳۷۹: ۶۷۴). خداوند دانا می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفَعُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفَعُوا لَأَنْ تَنْفَعُونَ إِنَّا بِسُلْطَانٍ (رحمن: ۳۳) ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیروی علم.» می‌توان استفاده کرد که بهبود زندگی مادی و معنوی انسان، در گرو علم است. این علم است که به انسان کمک می‌کند که چگونه زندگی کند تا به هدف خویش نائل آید. اما آنچه مهم است و باید روشن شود، تعیین هدف است

و اینکه علم با چه راهکار و مبنایی می‌تواند ما را به آن هدف برساند. امام در فراگیری علوم یک مبنا دارد و آن این است که انسان باید در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کند، فقط یک هدف داشته باشد و آن هم رسیدن به قرب الهی است (ستوده ۱۳۷۳: ۱/۲۱۲). خانم فاطمه طباطبایی می‌گوید: «امام در مورد تحصیل دخترانشان اصرار نمی‌کردند که حتماً فلان رشته را بخوانید و یا فلان رشته را نخوانید. اساساً دخالتی در این امور نمی‌کردند. حداکثر این بود که توصیه به تحصیل علم می‌کردند. امام همیشه مشوق ادامه تحصیل آنها بودند و تأکید می‌کردند که علم برایشان حجاب نشود» (ستوده ۱۳۷۳: ۱/۱۷۱). بنابراین، امام خمینی (ره) درباره تحصیل فرزندان و اینکه در چه رشته‌هایی ادامه تحصیل دهند، فقط راهکار و مبنا معرفی می‌کردند و آن مبنا این بود که هدف از تحصیل رسیدن به قرب الهی باشد. هر علمی که انسان را به این هدف برساند، مفید خواهد بود. به نظر امام، مهم این است که مبنای این علوم بر محوریت خدا و رسیدن به کمال طراحی شده باشد. مبنایی که امام خمینی (ره) برای تحصیل علوم در نظر می‌گرفت، می‌تواند مبنایی کلیدی و راهگشا برای نظام آموزش و پرورش جامعه اسلامی نیز باشد. یعنی نظام آموزش و پرورش باید به علمی اجازه وارد شدن به این نظام مقدس را بدهد که با این مبنا سازگاری داشته باشند.

نتیجه

نظریه پردازان مسائل خانواده به طور خاص و توده مردم به طور عام، نتوانسته‌اند راه‌حل مناسبی برای نهاد خانواده در نظر بگیرند و حاصل آنچه انجام شده، افراط و تفریط‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است. اگر دیدگاه اسلام درباره خانواده درست شناسایی و به مرحله اجرا نهاده شود، می‌توان بهترین راه‌حل و بهترین الگو از نوع خانواده اسلام را به جهان ارائه نمود. ما نمونه بزرگی از این الگوی اسلامی را در زندگی خانوادگی امام خمینی (ره) می‌بینیم. امام خمینی (ره)، با الهام از منبع وحی و سیره عملی اهل بیت (ع)، توانست خانواده‌ای تشکیل دهد که تربیت محور و اساس آن واقع شود. در خانواده امام، خانه‌داری از مهم‌ترین اشتغالات محسوب می‌شد که کمتر کاری به اهمیت آن دیده می‌شود. هیچ‌گاه مسائلی چون رهبری جامعه اسلامی، کارهای علمی، تبعیضها و غیره، امام را از توجه به مسائل معیشتی و روحی خانواده‌اش باز نمی‌داشت. امام نهاد خانواده را از

مهم‌ترین امور زمینه‌ساز برای شکوفایی استعدادها می‌دانست. ایشان فضای خانه را آکنده از محبت، عاطفه، عشق و معنویت می‌کردند تا فرزندان بتوانند در این فضای سالم و خالی از آلودگی به رشد و نمو طبیعی خویش دست یابند. راهکارهای عملی که امام برای تقویت این روند به کار می‌گرفتند، یکی تکریم و احترام گذاشتن به فرزندان بود. امام به آنها توجه می‌کردند، به افکار و خواسته‌هایشان احترام می‌گذاشتند و در بازیهای کودکانه آنها شرکت می‌نمودند. راهکار دیگر بالابردن سطح معنویات و اخلاق در خانواده بود. در جامعه امروزی، بسیاری خانواده‌ها از آرامش و آسایش بی‌بهره‌اند، در حالی که نهاد خانواده برای رسیدن به آرامش بنا نهاده شده است. برای برون‌رفت از این مشکلات، بهترین راه‌حل این است که زندگی خانوادگی امام خمینی (ره) را که مورد قبول خانواده‌هاست و آن را به عنوان الگو می‌پذیرند، به جامعه معرفی کنیم تا چراغ راهی باشد برای کسانی که در صدد ایجاد و تقویت خانواده‌ای سالم، پویا، با نشاط، صمیمی، معنوی و اخلاقی‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی